

# بی هم‌رهی خضر

سیدحسین  
صدرالحفاظ،  
ایرانی‌الاصول متولد  
کربلا و دارای مدرک  
کارشناسی ادبیات  
عرب‌زبان دانشگاه تهران  
است. از سوابق اوست:  
- بیش از ۲۰ سال  
تدریس قرآن.  
- ۱۵ سال تصحیح  
متون قرآنی و ادعیه.  
- ۱۲ سال طراحی  
سؤال، داوری، اجرا  
برگزاری مسابقه‌های

قرآن دانش‌آموزی  
کشور.  
- ۵ سال کارشناس  
قرآن در امور تربیتی  
استان تهران.  
- ۲ سال تحقیق  
در بارهٔ آژدها،  
ریشه‌ها و مشتقات  
کل کلمات قرآن که در  
نرم‌افزار توحید (دفتر  
مطالعه و نشر فرهنگ  
قرآن کریم) مورد  
استفاده قرار گرفته  
است.

از تألیفات اوست:  
- آموزش نماز با  
کارت‌های تصویری -  
انتشارات قدیانی.  
- تدوین مقدمهٔ  
آموزشی، بازسازی  
خط و تنظیم جزء  
سی‌ام، سورهٔ یوسف و  
سورهٔ نور - نشر افق.  
- بازنویسی و  
ویرایش کتابهای «آیه  
نما» و «اهمیت و  
روش یادگیری قرآن»  
- انتشارات قدیانی.

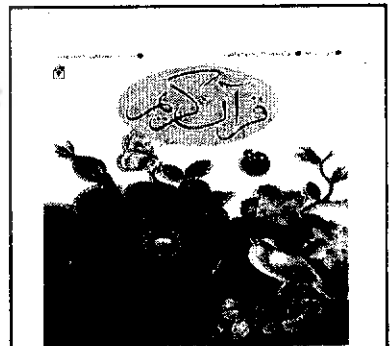
## نقدی بر ترجمهٔ جز سی‌ام قرآن کریم

سیدحسین صدرالحفاظ

### توضیح پژوهشنامه:

مطلبی که می‌خوانید، نقدی است بر چاپ اول ترجمه  
جزه سی‌ام قرآن کریم. باخبر شدیم که خوشبختانه مترجم با  
جمع‌بندی آراء و دیدگاه‌های اهل نظر، چاپ دوم را با  
تجدیدنظر در متن ترجمه آماده کرده و قرار است به زودی  
منتشر شود. با این همه، انتشار نقدی بر چاپ اول، هنوز  
موضوعیت دارد؛ یکی به این علت که به هر حال نسخه‌های  
چاپ اول موجود است و دیگر اینکه فایده‌های آموزشی این  
گونه بحثها همیشه ماندگار خواهد بود.

از مدتها پیش، مطالبی دربارهٔ ترجمهٔ جزء سی  
مخصوص نوجوانان توسط آقای رحماندوست، از  
مدیر محترم نشر افق شنیده بودم. همچنین،  
سرمدبیر محترم فصلنامهٔ پژوهشنامه ادبیات  
کودک و نوجوان تلویحاً از من خواسته بودند تا با  
آقای رحماندوست در این زمینه همکاری کنم، اما  
متأسفانه این توفیق حاصل نشد و من همچنان  
مشتاق زیارت این ترجمه بودم، زیرا به خُسنِ



جزه سی‌ام قرآن کریم  
ترجمه: مصطفی رحماندوست  
تصویری: عبدالله حاجیوند  
خط: صفی مهدوی  
ناشر: محراب لقم  
چاپ اول: زمستان ۱۳۷۷ - ۵۵۰۰ نسخه  
قیمت: ۳۵۰۰ ریال

## سادگی و زیبایی کلمات ترجمه یکی از موفقیت‌های مهم مترجم محترم است.

ظاهری ب - قالب باطنی و معنوی.  
هدف این جز مقاله نقد و بررسی راه‌حل ارائه شده توسط آقای رحماندوست برای آشنایی کودکان و نوجوانان با قرآن نیست. خداوند اخلاص و صفای نیت عطا فرماید و مرا از هر گونه ردیله نفسانی و لغزش از روی نادانی در حین نوشتن این سطور محفوظ بدارد! و نیز توفیق عنایت فرماید که این مرقومه (هدیه: من اهدی لئی عیوبی) راهگشای تحسین کار برای ایشان و دیگران باشد. اما بعد...

### الف - قالب ظاهری

عنصر ظاهر کتاب هر چند به سلیقه و نظر ناشر بر می‌گردد و این ناشر است که با شخصیت دادن به کتاب و قالب آن در واقع عشق و علاقه خود را به فرهنگ اثبات می‌کند، اما مؤلف، مترجم و... با متابعت خود نقش به‌سزایی در ترغیب و تشویق ناشر به این امر دارند.

انتخاب ظاهر کنونی کتاب از جلد گرفته تا صفحه‌آرایی، کاغذ تحریر و... در کل قابل تحسین و تقدیر است. در این باره باید چند نکته را یادآور شوم:

● جلد کتاب از نظر عناصر تشکیل دهنده طرح، ترکیب عناصر و رنگ‌آمیزی آن زیبا و دوست‌داشتنی است\*\*\* و از نظر استحکام و ماندگاری در دست کودکان و نوجوانان نیز

سلیقه و درایت و ابتکار ایشان واقف بودم. خود بنده دوبار اقدام به ترجمه این جزء قرآن کردم، اما پس از تحقیق و فیش‌برداری و ترجمه بعضی آیات، دست از کار کشیدم. بار اول به این دلیل که این بخش از قرآن یکی از عمیق‌ترین، کوتاه‌ترین و زیباترین بخشهای قرآن است و لازم بود تا ترجمه آن نیز چنین باشد. از این رو خود را ناتوان از انجام احسن و اکمل کار یافتم و آن را رها کردم. می‌گویید: نویسنده‌ای جوان، داستانی نوشت و آن را به برنانشاوی نویسنده شوخ طبع ایرلندی داد تا نظر بدهد. شاو پس از مطالعه کتاب به او پیشنهاد کرد: «چاپ این کتاب را بگذار برای زمانی که مشهور شدی! و وقت مناسبش برسد.»\* بار دوم - البته وقتی که خیال می‌کردم مشهور شده‌ام! دوباره دست به کار شدم، ولی این سؤال مرا از ادامه کار بازداشت که آیا ترجمه این بخش از قرآن با توجه به عمق مفاهیم آن می‌تواند مناسب حال این گروه سنی خاص باشد؟

این بود که کار ترجمه را رها کردم تا شاید برای این مشکل نیز به گونه‌ای مناسب و شایسته راه‌حلی پیدا شود. با انتشار ترجمه جناب رحماندوست، شوق زیارت آن افزوده‌تر شد؛ زیرا برای من جواب چند پرسش بود و برای کودکان و نوجوانان رفع نیازی ضروری. الحق نیز که می‌بایستی این کار می‌شد. تا کی باید دست روی دست می‌گذاشتیم و این دنیای بلند و وسیع را از کودکان و نوجوانان دریغ می‌کردیم. این مهم را آقای رحماندوست در زمان ما انجام داد.\*\*

با توجه به محدودیتها و دشواری‌های موجود کار، انتخاب قالب مناسب برای این منظور بسیار مهم است. در این مختصر بحث قالب از دو ناحیه مورد بررسی قرار گرفته است: الف - قالب

\*\*\* - اگر این مجله از آن کسی دیگر است بر من خیره نگیرید، همین قدر که درست باشد کافی است: انظر ما قال لانتظر من قال.

\*\*\* - تا آنجا که می‌دانم بعد از انقلاب اسلامی این ترجمه ویژه کودکان و نوجوانان برای اولین بار است که انجام می‌شود.

\*\*\* - فقط از نظر سلیقه شخصی می‌گویم و گرنه قضاوت اصلی برعهده صاحب‌نظران فن است.

## 👈 در پاره‌ای موارد در دقیق و صحیح بودن ترجمه جای تردید و شک وجود دارد.

- مناسب است.
- استفاده از کاغذ مرغوب، رنگ و طرح زمینه به مقتضای حال کودکان و نوجوانان، پسندیده و مورد تقدیر است. و اما حیوانات در بالا و پایین طرح زمینه آیات که به جای تذهیب معمول آمده در عین زیبایی هیچ ربطی به سوره‌ها و آیات قرآن و علی‌الخصوص به جزء سی ندارند. در اینجا می‌شد از حیواناتی که در این بخش یا در کُل قرآن از آنها نام برده شده استفاده کرد، چرا که مطلوب‌تر و پسندیده‌تر بود.
  - برای جدا کردن آیات از هم، خط سفیدی انتخاب شده که هم هدف تفکیک آیات از یکدیگر را برآورده و هم زمخت نیست و چشم‌نواز است.
  - کم بودن تعداد سطرها در هر صفحه، نوعی اسراف است - در پاره‌ای از صفحات تعداد سطرها از ۹ سطر هم کمتر شده است - که این هزینه اضافی و غیرضروری را باید خواننده بدهد. می‌شد بر تعداد سطرهای هر صفحه اضافه کرد و با رعایت توازن در تعداد آنها از تعداد صفحات و بهای کتاب کاست.
  - استفاده از ترجمه روبه‌رو برای تفهیم بهتر و کاملتر آیات، مناسب و به‌سزا است.
  - خط قرآنی کتاب، بسیار خواناست و اعرابگذاری آن دقیق انجام شده. این امر، خواننده علی‌الخصوص خواننده تازه‌کار را در صحیح خواندن قرآن، یاری می‌کند. اما رنج‌دار بودن خط به شدت از زیبایی آن کاسته است. در این مورد سهل‌انگاری در امر لیتوگرافی با توجه به حجم زیاد کارهای انجام شده در سایر زمینه‌های کتاب، برای بنده قابل درک نیست.
  - نبود فهرست نام و نشانی سوره‌ها و کم‌رنگ بودن عنوان نام سوره‌ها، مخاطب را دریافتن مناسب است.
- سریع سوره‌ها، دچار مشکل می‌کند.
- ب - قالب باطنی و معنوی
- از آنجا که بررسی کامل ترجمه کاری است بس طولانی و زمانبر، لذا بنده فقط به دو سوره نبأ و اعلی اکتفا کرده و در حد توان خود، با یاری خداوند و دقت زیاد، این دو سوره را که حدود ۱۲ درصد از کُل جزء سی می‌باشند، مورد بررسی قرار داده‌ام که حاصل کار را می‌خوانید.
- ترجمه لغات قرآنی به کلمات ساده و مناسب و نیز آوردن جملاتی دقیق و رسا که قابل درک و فهم کودکان و نوجوانان باشد و در عین حال عدم عدول از معنای اصلی آنها، کاری بس دشوار و در مواقعی ناممکن می‌نماید. اما سادگی و زیبایی کلمات ترجمه یکی از موفقیت‌های مهم مترجم محترم است. به این نمونه‌ها توجه کنید:
- ❖ ترجمه «فی» به «پیرامون» [نبأ، ۳].
- ❖ ترجمه آیات ۱۴ و ۱۵ سوره نبأ بسیار زیبا و ساده است. مخصوصاً ترجمه «من المعصرات» به «از دل ابرهای باران‌زا» هر چند کلمه «دل» اضافه است، اما بر زیبایی و سادگی کلام افزوده است.
- ❖ در ترجمه «میقاتاً» تلفیق دو معنی «حتمی و مشخص» با «وعده‌گاه» بسیار زیبا انجام شده است [نبأ، ۱۷].
- ❖ ترجمه «إِنَّ» به «مسلماً» و در جاهای دیگر به «بی‌گمان» «بی‌تردید» و «بی‌شک» به جای «همانا» و «به درستی که» بسیار مناسب است [نبأ، ۲۱].
- ❖ [۳۱]. و «مرصاداً» به «در انتظار» [نبأ، ۲۱].
- ❖ ترجمه آیه ۲۳ کلاً بسیار ساده و رساست.
- ❖ ترجمه «حساباً» به «روز بررسی کارهای نیک و بد» مناسب حال کودکان و نوجوانان است [نبأ، ۲۷].

※ آیه ۳۶ روی هم رفته ترجمه‌ای روان و سلیس دارد.

※ ترجمه «مرعی» به «علف و گیاه» به جای «چراگاه» مناسب حال مخاطب است [اعلی، ۴].

※ ترجمه آیه ۸ سوره اعلی، روان و قابل قبول است.

※ آیات ۱۴ و ۱۵ سوره اعلی بسیار خوب ترجمه شده‌اند.

※ ترجمه «واو» به «در حالی‌که» بسیار خوب و درست است [اعلی، ۱۷].

※ ترجمه آیات ۱۸ و ۱۹ بسیار خوب است.

● اما در پاره‌ای موارد در دقیق و صحیح بودن ترجمه جای تردید و شک وجود دارد و این یکی از آفات مهم روان کردن کلمات و جمله‌هاست. به این نمونه‌ها توجه کنید:

※ «برویانیم» اکتفا کرد که درستتر است [نبأ، ۱۶].

※ «و» در اول جمله جا افتاده است [نبأ، ۲۰].

※ ترجمه «کانت» که ثبات را می‌رساند به «به نظر می‌رسد» که تردید و شک در آن وجود دارد، صحیح نیست [نبأ، ۲۰].

※ منظور از «شراب» مطلق نوشیدنی است نه فقط «آب» و منظور از «برد» نیز مطلق خنکی است. در جمله آن نسیم خنک، با آوردن کلمات «آب» و «نسیم» مفهوم را محدود کرده‌ایم. از همین روست که فعل «لایذوقون» به غلط «نخواهد وزید» ترجمه شده است [نبأ، ۲۴].

※ واژه «احصیناه» بر شمردن و ثبت کردن» به غلط «قرار داده‌ایم» ترجمه شده که در واقع ترجمه «جعلنا» است. [نبأ، ۲۹].

※ کلمه «زیرا» در اینجا زائد و نادرست است، چون

## 👑 حیوانات در بالا و پایین طرح زمینه آیات که به جای تذهیب معمول آمده در عین زیبایی هیچ ربطی به سوره‌ها و آیات قرآن و علی‌الخصوص به جزء سی ندارند.



※ «به صورت زن و مرد» باید جایش را با «جفت جفت» عوض کند و یا به «دوتایی» ترجمه شود. [نبأ، ۸].

※ کلمه «پرده» اگر چه زیباست اما زائد بوده و باعث شده که فعل «جعلنا» به «نینداختیم» ترجمه شود [نبأ، ۱۰].

※ در این آیه باز هم فعل «جعلنا» به غلط «روشن کردیم» ترجمه شده [نبأ، ۱۳].

※ به جای «همچنین» فقط حرف «و» بهتر بود و اگر با دو آیه قبل یکجا ترجمه می‌شد، به جای فعل «پدید آوردیم» که زائد و غلط است، می‌شد به

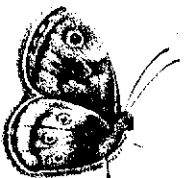
آیه در مقام تعلیل نیست. به جای «نمی‌دهیم» که ترجمه غلطی از «فَلَنْ نُرِيَدَكُمْ» است، باید «بر شما نمی‌افزاییم» نوشته می‌شد. [نبأ، ۳۰].

※ در ترجمه «متقین» به «خوبها» و «خویشترن‌داران» جای تردید است. این از همان کلماتی است که پیدا کردن ترجمه مناسب برای آن شاید غیر ممکن باشد. بهتر بود که ما هم مانند اسلاف خود آن را به «پرهیزکاران» ترجمه می‌کردیم که اگر چه ناقص است اما کاملتر به نظر می‌رسد. همان‌طور که در سوره لیل، آیه ۱۷ نیز «انسانهای با تقوا و پرهیزکار» ترجمه شده

- است [نبأ، ۳۱].
- \* ترجمه «له» به «دست می‌یابند» جای اشکال دارد، زیرا در آیه بعد، همین «له» به «برای» ترجمه شده است. در حقیقت این چند آیه با هم پیوستگی معنایی دارند. [نبأ، ۳۱].
- \* به جای «دلریایی» بهتر بود «جوانی» می‌آمد تا کمی از معنی «کواعب» در ترجمه می‌آمد [نبأ، ۳۳].
- \* «نیکوکاران» ترجمه «محسنین» است نه «متقین» که وصف آنان در این آیات آمده [نبأ، ۳۵ و ۳۶].
- \* «آفریده است» در واقع ترجمه «خَلَقَ» است، اما در آیه چنین چیزی وجود ندارد [نبأ، ۳۷].
- \* ترجمه «اتخذ» به «بکوشد» نادرست است. معنی آن «برگزیدن، انتخاب کردن و در پیش گرفتن» است [نبأ، ۳۹].
- \* منظور از «عذابا» مطلق عذاب است نه «روز پر عذاب و پررنج» و نیز «نتیجه» کارهای خوب و
- «مسلماً» و «بی‌تردید» استفاده می‌کرد [اعلی، ۷].
- \* «زیرا» زائد است، چون آیه در مقام تعلیل نیست. به جای آن باید «به زودی» می‌آمد که ترجمه «س» است [اعلی، ۱۰].
- \* کلمه «خشیت» که معمولاً به «ترسیدن» آن هم «ترسیدن از خدا» ترجمه می‌شود، به «دلوایس آینده» ترجمه شده که اگر چه زیباست اما جای اشکال دارد [اعلی، ۱۰].
- \* ترجمه «اجتتاب: دوری‌گزیدن» به «روی برگرداندن» که در واقع ترجمه «اعراض» است، غلط می‌باشد [اعلی، ۱۱].
- \* «یصلی» که به معنی «ورود و دخول» در جهنم است به «گرفتار شدن» ترجمه شده که اندکی ناصواب است. [اعلی، ۱۲].
- \* ترجمه «خِنُوة» به «لذت» نادرست است [اعلی، ۱۶].
- در پاره‌ای موارد نیز کلمات و یا عباراتی در

## 👈 در اینکه برای ترجمه دقیقتر باید به تفاسیر مختلف رجوع کرد، هیچ‌گونه شکمی نیست، اما سؤال این است که تأثیرپذیری از آنها تا چه اندازه درست است؟

- بد را نمی‌بینند بلکه خود کار بد و خوب دیده می‌شود، لذا کلمه «نتیجه» زائد است [نبأ، ۴۰].
- \* به جای «آفرید»، «آفریده اوست» آمده که در واقع ترجمه «مخلوق» است نه «خلق» [اعلی، ۲].
- \* «س» به غلط «پیوسته» ترجمه شده و درست آن «به زودی» است [اعلی، ۶].
- \* به جای «تا آنجا که» بهتر بود «به‌گونه‌ای که» می‌آمد، چرا که به معنی کل آیه نزدیکتر است [اعلی، ۶].
- \* «زیرا» زائد است چون آیه در مقام تعلیل نیست و بهتر بود مترجم از معادلهای خوب خود، مانند
- ترجمه جا افتاده‌اند و یا بی‌دلیل اضافه شده‌اند. به این نمونه‌ها توجه کنید:
- \* کلمه «مهم» اضافه و غیرضروری است [نبأ، ۱].
- \* عبارت «فَكَانَتْ أَبْوَاباً» ترجمه نشده است [نبأ، ۱۹].
- \* شدت عناد و لجبازی در تکذیب قیامت که در کلمه «كِدَاباً» آمده، در ترجمه نیامده است [نبأ، ۲۸].
- \* فعل «گفته می‌شود» زائد است، زیرا در آیه هیچ کلمه‌ای دلالت بر این معنی ندارد [نبأ، ۳۵].
- \* «مأبأ» که معنایش «محل بازگشت» و یا «طریق و راه» است به «داشتن مقام و ارزش» ترجمه شده



🖐️ امروزه این امری لازم و اصلی پذیرفته شده است که ترجمه و تفسیر با نشانه‌هایی خاص مانند پرائنز، قلاب، خط تیره و غیره از یکدیگر تفکیک شوند، زیرا هرگز نباید بین کلام خدا و کلام انسان خلط و امتزاج پیش آید. در ترجمه آقای جلال‌الدین مجتبوی، مرز میان ترجمه و تفسیر به خوبی معین شده است، اما این راه حل مسلماً برای کودکان و نوجوانان مناسب نبود و ما منتظر بودیم تا راه حلی مناسب حال مخاطب پیدا شود. متأسفانه در این ترجمه، بجز دو صفحه مختصر، هیچ راه حل کامل و مناسب دیگری دیده نشد.

- است [نبأ، ۳۹]. \* جمله مخاطب به جمله مغایب تبدیل شده است [اسم] و «ک» خطاب در «رَبِّکَ» ترجمه نشده‌اند و در [ترتیب ترجمه جا به جا شده است. اول باید «هم» دوبار تکرار شده که هر دو اضافه و غیر ضروری است [اعلی، ۴ و ۵]. \* «بَرَدَأُ» سپس «شَرَاباً» را ترجمه کرد [نبأ، ۲۴]. \* ترتیب ترجمه جا به جا شده است. اول باید «لَعْوَأُ» ترجمه شود، سپس «کَذَاباً» [نبأ، ۳۵]. \* در ترجمه آیات به پاره‌ای اشکالات در شکل و قالب جمله برمی‌خوریم مانند اشکال در سیاق جمله (انشایی، اخباری، نفی، سؤالی و غیره) نوع و صیغه‌ها (مفرد و جمع، معلوم و مجهول، مخاطب، مغایب و غیره) و نیز زمان وقوع فعل جمله (ماضی، مضارع) و همچنین جا به جایی در ترتیب عبارات و کلمات با توجه به ترتیب آنها در آیه قرآن. به این نمونه‌ها توجه کنید:
- \* آیات ۲ و ۳ سؤالی نیستند، زیرا جواب سؤال آیه اول هستند [نبأ، ۲ و ۳]. \* آیه ۷ باید سؤالی و منفی باشد، زیرا عطف به جمله قبل است [نبأ، ۷]. \* آیات ۱۰ و ۱۱ نمی‌توانند سؤالی باشند، مگر آنکه تمام آیات ۸ تا ۱۱ را عطف به آیه ۶ بدانیم آن وقت باید همه جمله‌های قبلی سؤالی و منفی باشند و این بعید است [نبأ، ۱۰ و ۱۱]. \* «روز جدا کردن حق از باطل» باید با «روز قیامت» جا به جا شود [نبأ، ۱۷].
- \* عبارت «برای گفتن سخنان پسندیده» در جایی نادرست قرار گرفته، زیرا «وَقَالَ صَوَاباً» در آخر آیه قرار دارد. همچنین، آیه می‌گوید آن کس هم که اجازه سخن می‌یابد، «جز سخن صواب و حق سخنی نمی‌گوید»، لذا ترجمه هم غلط است [نبأ، ۳۸]. \* فعل ماضی «أَنْذَرْنَا: هشدار دادیم» به مضارع ترجمه شده است. «هشدار می‌دهیم» [نبأ، ۴۰]. \* خداوند باری تعالی پس از خلق موجودات، آنها را منظم ساخت و سپس اندازه و برنامه‌های لازم را تقدیر و اندازه کرد. پس از آنکه خلق به همه اینها مجهز شدند، آنها را به راه خود هدایت کرد.





✎ ارجاع ضماثر، اشارات و غیره به جایگاه اصلی خود، یکی از مواردی است که پای تفسیر را به ترجمه باز می‌کند. از آنجا که مخاطب و به ویژه کودک و نوجوان ممکن است نتواند از عهده ارجاع‌ها برآید، لذا مترجم عهده‌دار این امر می‌شود، اما گاهی در ارجاع آنها بین مفسران اختلاف نظر به وجود می‌آید. در اینجا، مترجم به ناچار باید نظری را برگزیند و آن را به گونه‌ای شایسته به خواننده منتقل کند تا هیچ گونه قطعیتی برای ترجمه خود قائل نشده باشد.

شانزده عنوان توضیحی برای کل جزء سی آنهم در پایان کتاب، از این امر اجتناب کنند، اما راه یافتن تفسیر در ترجمه بدون معین شدن مرز میان آنها در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود. در اینکه برای ترجمه دقیقتر باید به تفاسیر مختلف رجوع کرد، هیچ گونه شکی نیست، اما سؤال این است که تأثیرپذیری از آنها تا چه اندازه درست است؟ و آیا به طور کلی ترجمه باید بدون در نظر گرفتن تفسیر انجام گیرد؟ و یا اینکه راه سومی وجود دارد که هم بشود به ترجمه‌ای خالص رسید و هم توضیح تفسیری لازم را ارائه داد تا در فهم آیات به مخاطب کمک شود؟ امروزه این امری لازم و اصلی پذیرفته شده است که ترجمه و تفسیر با نشانه‌هایی خاص مانند پرانتز، قلاب، خط تیره و غیره از یکدیگر تفکیک شوند، زیرا هرگز نباید بین کلام خدا و کلام انسان خلط و امتزاج پیش آید. در ترجمه آقای جلال‌الدین مجتبوی، مرز میان ترجمه و تفسیر به خوبی معین شده است.<sup>(۱)</sup> اما این راه حل مسلماً برای کودکان و نوجوانان

این ترتیب، در ترجمه رعایت نشده است [اعلی، ۱۳].

✎ فعل «أخْرَجَ» بیرون آورد و یا رویاند» معنی می‌دهد که به غلط به «می‌رویاند» ترجمه شده است [اعلی، ۱۴].

✎ «تخواهد» باید «بخواهد» ترجمه می‌شد البته مفهوم جمله رسانده شده اما ساختار آن از مثبت به منفی تغییر کرده است. [اعلی، ۷].

✎ «آنها که» باید «آن که» باشد زیرا در آیه، «مَنْ» آمده است و بالتبع «می‌گیرند» می‌بایستی به «می‌گیرد» تغییر یابد [اعلی، ۱۰].

✎ آیات ۱۰ تا ۱۳ به غلط جمع هستند [اعلی، ۱۰ تا ۱۳].

✎ کل آیه در وصف «اشقیاء» است، اما در ترجمه وصف «دوزخ» به میان آمده [اعلی، ۱۳].

✎ جمله در مقام خطاب است نه در مقام غیاب، پس «اما بسیاری از مردم» و «می‌دهند» غلط است [اعلی، ۱۶].

✎ جای «همیشگی» و «بهتر» را باید با هم عوض کرد تا ترتیب قرآن رعایت شود [اعلی، ۱۷].

● عدم رعایت مرز میان ترجمه و تفسیر از مواردی است که بسیاری از مترجمان نامدار نیز در آن در غلطیده‌اند. در این ترجمه، ظاهراً خواسته‌اند با اضافه کردن دو صفحه بسیار مختصر با

۱- البته قبل از ایشان عده‌ای از مترجمان از جمله مرحوم فیض‌الاسلام این کار را کرده‌اند، اما موفقیت ایشان چشمگیرتر است.



- توضیحاتی غیر ضروری هستند.
- \* «که جای آسایش باشد» توضیح اضافی است [نبا، ۶].
- \* «نگهدارنده، برای حفظ تعادل زمین» برداشت و توضیح است [نبا، ۸].
- \* ترجمه این آیه به طور کلی از قالب اصلی خود خارج شده و در واقع تعبیری نو است. «بر روی حال و روزتان» نیز توضیح اضافه است [نبا، ۱۰].
- \* «به صورت زمان مناسبی» توضیح زائد است [نبا، ۱۱].
- \* «انواع میوه‌ها» توضیح غیر ضروری است [نبا، ۱۶].
- \* درباره «صور» لازم بود توضیح کاملتری داده شود. با توجه به آیه ۶۸ سوره زمر و آیات دیگر، دمیدن در «صور» دو بار است و در اینجا منظور بار دوم آن است. در بار اول، همه جانداران می‌میرند و در بار دوم، همه مردگان زنده می‌شوند. تعبیر «صدای وحشتناک» در واقع ترجمه «صیخة» است [آیات ۴۹ و ۵۳ سوره یس] نه دمیدن در صور. به جای «وحشتناک» هم بهتر بود می‌فرمودند «بزرگ، عظیم» [نبا، ۱۸].
- \* عبارات «تا مردگان زنده شوند» پس از زنده شدن» و «برای داوری به پیشگاه خدا»، توضیح اضافی هستند و همین‌ها باعث شده‌اند تا جمله از مخاطب به مغایب ترجمه شود [نبا، ۱۸].
- \* «به روی مردم» توضیح اضافی است [نبا، ۱۹].
- \* «در هم کوبیده می‌شوند» توضیح اضافی است [نبا، ۲۰].
- \* «در دنیا روز قیامت» غیر ضروری است [نبا، ۲۷].
- \* «در آن روز به گناهکاران گفته می‌شود که نتیجه کارهای خود را» کلاً توضیح است و بسیار هم طولانی [نبا، ۳۰].
- \* «همسرانی زیبا» توضیح است نه ترجمه.

- مناسب نبود و ما منتظر بودیم تا راه حلی مناسب حال مخاطب پیدا شود. متأسفانه در این ترجمه، بجز دو صفحه مختصر، هیچ راه حل کامل و مناسب دیگری دیده نشد. در اینجا لازم می‌دانم به پاره‌ای از موارد تفسیری لازم و ضروری و به جا که البته بدون معین شدن مرز میان تفسیر و ترجمه آمده‌اند، اشاره کنم:
- \* «خورشید» تفسیر است، اما به جا [نبا، ۱۳].
- \* «حق از باطل» و «ما با شما» هم عباراتی توضیحی و تفسیری هستند، اما لازم و ضروری [نبا، ۱۷].
- \* «در چنین روزی» و «بدکاران و گناهکاران» اضافه توضیحی‌اند، اما به جا و مناسب [نبا، ۲۱].
- \* «نوشیدنی ستمکاران و گناهکاران در جهنم» اضافه توضیحی است، اما قابل قبول [نبا، ۲۵].
- \* «این عذاب» و «به کارهای آنها در دنیا» اضافه توضیحی است، اما مناسب و زیبا [نبا، ۲۶].
- \* عبارت «در صورتی که این طور نیست» اگر چه اضافه است، اما مناسب حال به نظر می‌رسد [نبا، ۲۹].
- \* «مسلماً روزی فرا خواهد رسید» توضیحی مناسب است و نیز «در آن روز مقام و ارزشی داشته باشد» توضیحی قابل قبول [نبا، ۳۹].
- \* «ما قَدِّمَتْ يَدَا» به «کارهای خوب و بدی را که در این دنیا انجام داده» ترجمه شده که توضیحی قابل قبول است [نبا، ۴۰].
- \* «همه چیز» [اعلی، ۲] و «راه تبلیغ و گسترش دین» [اعلی، ۸] مناسب حال است.
- \* «فَدَّكَرْ» ترجمه توضیحی خوبی شده و مناسب است [اعلی، ۹].
- در مورد توضیحات و تفسیرهای غیر ضروری، زائد و یا نادرست و نیز به این نمونه‌ها توجه کنید:
- \* در ترجمه آیه‌های ۳ و ۵ سوره نبا به جز عبارت «آن طور نیست، به زودی می‌فهمند» باقی مطالب



برگزیند و آن را به گونه‌ای شایسته به خواننده منتقل کند تا هیچ گونه قطعیتی برای ترجمه خود قائل نشده باشد. در زیر به مواردی از ارجاعهای درست و نادرست این ترجمه اشاره می‌کنیم:

\* در اینکه چه کسانی سؤال می‌کنند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد، اما آنچه آمده این است که «مشركان مکه» «كافران» و «مردم» مورد نظر هستند و «مردم» ضعیف‌ترین آنهاست [انبأ، ۱].

\* ارجاع ضمیر در «فیها» به اصل خود یعنی «جهنم» کاری به جا بوده و باعث رسایی جمله برای کودکان و نوجوانان شده است [انبأ، ۲۳].

\* به جای «آن که»، «پروردگاری» آمده است که ارجاعی مناسب حال مخاطب است [اعلی، ۲].

\* «آنچه را که رویانده» ارجاع و توضیحی زائد و غیر ضروری است [اعلی، ۵].

\* ارجاع «ها» ضمیر مُستتر در «سَنَقْرُوكَ» به «قرآن» و «ك» به «ای پیامبر»، کاری خوب و مناسب است [انبأ، ۶].

\* ارجاع «ك» به «ای پیامبر» مناسب حال مخاطب است [اعلی، ۸].

\* «از تو» در اینجا ارجاع درستی نیست، زیرا منظور آیه دوری از خود مفهوم «تذکر» است نه دوری از «پیامبر» [اعلی، ۱۱].

\* ارجاع ضمیر مستتر «هو» به اسم صریح «سنگدان» در حالی که آیه به «أَشَقِي» اشاره دارد، درست نیست [اعلی، ۱۱].

● تفکیک آیات از هم به وسیله یک خط و قرار دادن بعضی از آیات با هم در یک خط چه در عربی و چه در ترجمه، کار بسیار خوبی است، اما در این تفکیک باید چارچوب و اصولی معین را رعایت کرد، مثلاً آیاتی که از نظر معنی با هم پیوند محکمی دارند، بایستی در یک خط قرار بگیرند. در بعضی از موارد هم می‌شد فاصله خطوط سفید حائل بین آیات بیشتر شود تا چند آیه در چند خط، یکجا تلقی شوند، مانند دو خط آخر سوره نبأ.

«بهشت آماده» نیز توضیح اضافی است [انبأ، ۳۳ و ۳۴].

\* «به نیکوکاران در بهشت» توضیح اضافه است [انبأ، ۳۵].

\* «دخالت در کارهایش» توضیح زائد است [انبأ، ۳۷].

\* ترجمه «الرُّوح» به «جبرئیل» نیز تفسیر است و اگر به تفسیر المیزان یا نمونه مراجعه می‌شد، مسلماً چنین ترجمه‌ای صورت نمی‌گرفت. «به یکی» توضیحی زائد و مخَلّ معنی است [انبأ، ۳۸].

\* در ترجمه «الی» آمده «در راه ایمان و اطاعت» و نیز «که در این دنیا» توضیح زائد است [انبأ، ۳۹].

\* «در آن روز با حسرت» توضیح غیر ضروری است [انبأ، ۴۰].

\* «فَسَوِّی» بسیار طولانی ترجمه شد و توضیح زائد دارد. بهتر بود نوشته می‌شد: «سپس آن را منظم و هماهنگ ساخت.» [اعلی، ۲].

\* درباره «دعوت» باید گفت همه آفریده‌ها در هدایت تکوینی خود محکومند و باید به این راه بروند و می‌روند. پس آن طور که مترجم محترم فرموده‌اند، خداوند کسی را به این هدایت دعوت نمی‌کند. ترجمه «قَدَّر» بسیار طولانی و دارای اجزای زائد است [اعلی، ۳].

\* اگر به تفسیر المیزان و یا نمونه مراجعه می‌شد، حتماً عبارت «به یاد تو بماند» از ترجمه حذف می‌گردید [اعلی، ۶].

\* جمله «إِنَّ نَفَعَتِ الذُّكْرَى» با توجه به ظاهر جمله و تفاسیر نادرست است. [اعلی، ۹].

● ارجاع ضمائر، اشارات و غیره به جایگاه اصلی خود، یکی از مواردی است که پای تفسیر را به ترجمه باز می‌کند. از آنجا که مخاطب و به ویژه کودک و نوجوان ممکن است نتواند از عهده ارجاع‌ها برآید، لذا مترجم عهده‌دار این امر می‌شود، اما گاهی در ارجاع آنها بین مفسران اختلاف نظر به وجود می‌آید. در اینجا، مترجم به ناچار باید نظری را

## عدم رعایت مرز میان ترجمه و تفسیر از مواردی است که بسیاری از مترجمان نامدار نیز در آن در غلطیده‌اند.



آیات (۴ و ۵) سورة اعلی است. بی تردید، پستی و بلندی، کاستی و نادرستی در کار کسانی وجود دارد که وارد میدان عمل شده و با وقوف به تمامی محدودیتها، دشواری‌ها و خطرها، پا به عرصه کار و تلاش نهاده‌اند. از اشتباه نترسیده‌اند و به یاری خدای علیم و رشد خود و تکامل کار امیدوار بوده‌اند. هر چند موسایی ایشان در عرصه ادبیات کودک و نوجوان بر کسی پوشیده نیست، اما بی‌همری خضر در این میدان قدم نهادن...

در پایان، یادآور می‌شوم که غرض از این نقد محدود، اما بی‌تعارف و صادقانه و از‌شاء‌الله دقیق و منصفانه، جز راهگشایی برای تکامل کار نبوده و امیدواریم که خداوند متعال به دوست گرامی ما جناب آقای رحماندوست توفیق عاجل عنایت فرماید تا در تصحیح و تدقیق ترجمه خود با مشورت کارشناسان قرآنی توانمند بکوشند. و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین

آیاتی که به خوبی در کنار هم قرار گرفته‌اند، عبارتند از در سورة نبا آیات: (۱ و ۲)، (۴ و ۵)، (۱۲ و ۱۳) و (۲۷ و ۲۸) و در سورة اعلی آیات: (۱۴ و ۱۵ و ۱۶)، (۱۷ و ۱۸) و (۱۹). البته این امر در همه جا صدق نمی‌کند، زیرا پاره‌ای از آیات با وجود پیوند محکمی که دارند، در کنار هم نیامده‌اند. شاید از دست مترجم و یا صفحه‌آرا و یا هر دو، رذ شده باشد، مثلاً در سورة نبا آیات: (۱ تا ۳)، (۶ و ۷)، (۱۰ و ۱۱)، (۱۴ تا ۱۶)، (۲۲ و ۲۳)، (۲۴ و ۲۵) و (۳۱ تا ۳۴) و در سورة اعلی آیات: (۲ و ۳) و (۱۱ تا ۱۳).

● هر آیه می‌بایستی به طور مستقل ترجمه شود، زیرا مبنای «وقف الرسول» است، اما مترجم محترم به خاطر اقتضای زبان فارسی و سلاست کلام، دو یا چند آیه را با هم در یک جمله ترجمه کرده‌اند. موارد درست آن، آیات (۴ و ۵) سورة نبا و آیات (۶ و ۷)، (۱۴ و ۱۵) و (۱۸ و ۱۹) سورة اعلی است و موارد نادرست و غیر ضروری آن آیات (۱۲ تا ۱۵)، (۲۱ و ۲۲)، (۲۷ و ۲۸) و (۳۲ تا ۳۴) سورة نبا